

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۲۸ سپتمبر ۲۰۲۴

نظام جمهوری اسلامی، مسوول فاجعه طبس و گرمسار

مقدمتاً ورود مختصر به این مسأله نامربوط نیست که در جوامع سرمایه‌داری، کار برابر بانشاط، سرزندگی و سازندگی برای آینده بهتر کارگران و سازندگان اصلی آن نیست. چونکه از پیش، جهت تولید و سود آن معین، از پیش سیاست کارگری حکومت روشن و سر آخر کارگران رودررو با دست‌نوشته‌ها و مصوبات بی‌رحمانه صاحبان کار هستند.

در هیچ‌یک از نظام‌های فعلی، نشان نیست که تولید در خدمت به جامعه و سود آن به جیب کارگران می‌رود. درجه انحطاط همراه با تلف شدن زندگی میلیون‌ها انسان به همراه خانواده‌هایشان بسیار بارز هست. هرروز مرگومیر و ضرر مالی، هرروز بیکارسازی و حادثه‌های ناگوار، هرروز فقر بیشتر و ناتوانی در تهیه نیازهای اولیه زندگی، هرروز صدمات جسمی و روانی و هرروز استثمار بی‌انتهای افزایش ساعات کاری در میدان‌های تولیدی طاقت‌فرسا. آن‌قدر داده‌ها، بی‌مبالاتی و کارکرد غیرمسئولانه نظام‌های سرمایه‌داری [نسبت به کارگران] زیاد است که ولو اشاره گذری به همه آن‌ها، باز هم محال هست. یعنی این که حوادث کاری در قسمت‌های تباین بسیار جلوتر از زمان هست و توضیح بیست‌وچهارساعته دربرگیرنده همه آن‌ها نیست.

به طوریقین موقعیت کارگران من‌حیث‌المجموع در ساختار نظام‌های سرمایه‌داری [باکمی تفاوت] یک‌جور است و همه‌جا کارگران برای تهیه لقمه‌ای نان در رنج و عذاب هستند. سوءظن نیست که اوضاع کارگران کشورهای وابسته به امپریالیسم از جمله ایران به‌مراتب هراس‌انگیزتر و اسفبارتر است. زیرا که جدا از مبارزه برای دریافت دستمزد درازای کار انجام‌شده، ناامنی شغلی و به‌ویژه رودررو شدن با حوادث کاری همچون قطع انگشتان دست و صدمه در حین کار و انفجار در معادن و میدان‌های تولیدی، به دشواری‌های روزانه کارگران تبدیل‌شده است. به‌طور نمونه و طبق گزارش رسانه‌های جمعی در تاریخ سی‌ویک شهریورماه- سنبله-، چهل‌ونه تن از کارگران معدن طبس در اثر انفجار گاز جان خود را از دست دادند. به دنبال این حادثه فاجعه‌بار، در تاریخ دوم مهرماه- میزان-، چهار انفجار در "کارخانه میعانات نفتی در شهرک صنعتی فجر گرمسار" باعث سوختگی شدید دو تن از کارگران شده است و «حمید مجیدی»، رئیس هلال‌احمر شهرستان گرمسار گفته است "احتمال وقوع انفجارهای بعدی زیاد است".

کاملاً مشخص است حادثه‌های طبس و گرمسار در زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی ایران اولین یا دومین نیست و طبعاً آخرین آن‌ها هم نخواهد بود. صدها نمونه در این خصوص هست و بی‌شک جامعه کارگری در آینده به دلیل پردوام بودن حاکمیت سرمایه‌داران و کارفرمایان سودجو، با هزاران حادثه دیگر رودررو خواهد شد. برای این که نظام

جمهوری اسلامی کمترین ارزشی برای جان کارگران قائل نیست و هم‌معنی با تعرض به معیشت آنان؛ هم‌معنی با استثمار بی‌انتهای درازای عدم پرداخت دستمزدهای چندرغاز است. متأسفانه آن‌قدر اوضاع کاری و زیست کارگران در زیر سلطهٔ جانیان بشریت دربوداغان هست که با هیچ قلم و سخنی نمی‌شود آن‌ها را به تصویر کشاند. در نتیجه پروندهٔ سردمداران رژیم جمهوری اسلامی [در این قسمت] بسیار قطور است و بیش‌از اندازه به سفرهٔ ناچیز کارگران ورود و بیش‌از اندازه جان آنان را دست‌مایهٔ سیاست‌های غیرانسانی خودکرده‌اند. دستگاه‌ها فرسوده و معادن فاقد امکانات ایمنی در برابر حوادث هست و صاحبان تولیدی نه‌تنها کوچک‌ترین اقدامی در جهت تهیه و ترمیم آن‌ها نمی‌کنند، بلکه با اعتراضات و با گوشزدهای کارگران پیرامون وقوع حوادث پیش‌ارو، با تهدید، با اخراج، یا با تسویه‌حساب روبه‌رو می‌شوند. به‌طور مثال خواهر یکی از کارگران معدن می‌گوید "روز حادثه معدنکاران هشدار داده بودند که آنجا بوی گاز هست، اما به آن‌ها گفتند یا برگردید سرکار یا تسویه‌حساب کنید".

براستی چهرهٔ ضد انسانی و غیر کارگری منادیان سرمایه را می‌شود در پاسخ به اعتراض و گوشزد کارگران [قبل از وقوع حادثه] دید. سرمایه‌داران مفت‌خور به‌غیراز کار و تولید به هر قیمت فکر نمی‌کنند، نه به فکر مشکلات روزانه کارگران هستند و نه به عواقب زندگی خانوادهٔ صدمه‌دیدگان همراهی و همدلی دارند. پس به هر میزان از رفتار و از کردار سران حکومت گفته یا نوشته شود، دربرگیرندهٔ جنایات ارتكابی چندین دهه‌شان نیست و به دنبال هزاران ادله و سند ضد کارگری موجود هست که نشان می‌دهد سران حکومت تحت هیچ شرایط و موقعیتی جوابگو نیستند و اتفاق طیب و گرمسار یکبار دیگر، تأیید گر این حقیقت هست که بود حاکمان فعلی، برابر با تأمین و مراقبت از منافع صاحبان تولیدی و استثمارگران بی‌رحم هست؛ برای این که از آن آنان [سرمایه‌داران] اند و با طبقهٔ کارگر و اقشار ستمدیده بیگانه و به دنبال بی‌تفاوتی به گوشزدها و هشدارهای قبل از وقوع حادثه توسط کارگران هستند.

آنچه در عقل بیمار حکومت‌مداران و دولت‌مردان و صاحبان تولیدی تلنبار شده است، سود بیش‌ازپیش به ازای تلف شدن کارگران و پاشیدن زندگی باقی‌ماندگان آن‌ها هست. در سیستم تعریف‌شدهٔ سرمایه‌داران کارگر حق اعتراض و گوشزد به حادثه‌هایی همچون معدن طیب را ندارد و بیان این موضوعات برابر با سرکوب و تهدید به اخراج و "تسویه‌حساب" است. نمونه‌ها در خصوص فوق فراوان‌اند و متعاقباً دیده‌شده است که چطور نهادهای به‌اصطلاح کارگری و کارفرمایان نقش سوپاپ اطمینان گردش دم‌دستگاه‌های تولیدی در درون معادن و درون کارخانه‌های استثمار ایفاء می‌کنند. دریغا در اثر مناسبات و سیستم نابرابر حاکم در ایران، تهیه و ترمیم ابزار بازدارندهٔ حوادث کاری به همراه صدها مشکل دیگر، به دغدغه و به معضلات کارگران در میدان‌های تولیدی و ساختمانی تبدیل‌شده است.

به هر جهت به‌موجب حاکمیت تفکر و فرهنگ ضد کارگری حاکم در جامعه، و به‌موجب عدم مسؤلیت‌پذیری سران نظام در قبال ناامنی محیط‌های تولیدی، انتظاری به‌غیراز آنچه در طیب و گرمسار اتفاق افتاده است، نیست. روشن‌تر این که عامل اصلی پیشامدهای کارگری، حکومت‌مداران و دولت‌مداران هستند و تا زمانی که سایهٔ آنان در میدان‌های تولیدی و معادن سنگینی می‌کند، حیات و هستی کارگران به همراه خانواده‌هایشان در معرض خطر و تهدید هست و همان‌گونه «حمید مجیدی»، رئیس هلال‌احمر شهرستان گرمسار گفته است "احتمال وقوع انفجارهای بعدی زیاد است". سرانجام امنیت شغلی، تضمین کاری و جان کارگران، وابسته به نبود نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران هست و تنها در نظام و در سیستم مطابق با منافع کارگران است که تولید و ثروت‌های طبیعی در خدمت به جامعه و پس‌ازاین خبری از ضایعات و مرگومیر کارگران در اثر حوادثی همچون طیب و گرمسار نخواهد بود.

۲۷ سپتامبر ۶/۲۰۲۴ - مهر-میزان- ۱۴۰۳